

ابعاد شهادت در رسیدگی‌های کیفری بین‌المللی

علیرضا ابراهیم‌گل*

فهرست مطالب

چکیده

- ۱- درآمد
- ۲- تدابیر حمایتی از شهود و قربانیان
 - الف- تدابیر حمایتی پیش از شروع محاکمه
 - ب- تدابیر حمایتی در طی محاکمه
 - عدم افشای هویت شهود و قربانیان برای متهم
 - عدم افشای هویت شهود و قربانیان برای عموم
 - تدابیر معطوف به حمایت از شهود و قربانیان در برابر ضربه عاطفی مجدد
 - ج- قواعد حاکم بر تأمین ادله
 - د- شهادت کتبی
- ۳- موازنه حقوق متهم و شهود
- ۴- عدم تمایل شهود به شهادت
 - الف- عدم تمایل دولت به اجبار یک شاهد به حضور در دادگاه
 - ب- عدم تمایل شاهد به حضور در دادگاه
 - ج- عدم تمایل شاهد در خصوص پاسخ به سؤالات
- ۵- وضعیت خاص برخی گروه‌های شهود
 - الف- روزنامه نگاران
 - ب- ناظران حقوق بشری
 - ج- سازمان‌های کمک‌رسانی و توسعه
 - د- هیأت‌های صلیب سرخ
 - ه- پرسنل مرتبط با فعالیتهای ملل متحد

نتیجه‌گیری

*. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی.

چکیده

اهمیت شهادت به‌عنوان یکی از ادله اثبات دعوی کیفری بر کسی پوشیده نیست و این مدعا در مورد هر دو نوع رسیدگی‌های کیفری داخلی و بین‌المللی صادق است. در رسیدگی‌های نوع اخیر که عموماً در پی مخاصمات داخلی و نقض‌های شدید حقوق بشری و حقوق بشردوستانه و به همت جامعه بین‌المللی به‌عنوان تدبیری در جهت حفظ و اعاده صلح و تقویت عنصر عدالت در دوگانه صلح- عدالت و بازدارندگی از ارتکاب چنان جنایاتی در آینده به‌کار گرفته شده‌اند، مسئله شهادت اهمیت افزونتری می‌یابد زیرا که ترس از شهادت توسط شاهدان عینی، مانع از اثبات دعوی دادستان علیه متهم و نتیجتاً عدم محکومیت متهمین و نفی استدلال بازدارندگی این محاکم می‌شود. از سوی دیگر استانداردهای پذیرفته شده بین‌المللی که در کنوانسیون‌های مختلف حقوق بشری متبلور شده‌اند حقوقی را برای متهمین بر می‌شمرد که مجموعاً تحت عنوان «حق بر دادرسی عادلانه» طبقه‌بندی شده‌اند و محاکمه بدون آنها مورد پذیرش نخواهد بود؛ لذا ما با دو ضرورت حفظ و رعایت حقوق متهم و حمایت از شهود مواجهیم و می‌توان گفت در صورت ایجاد تعادل میان این دو ضرورت است که رسیدگی واجد وصف «منصفانه» خواهد بود.

واژگان کلیدی: شهادت- رسیدگی‌های کیفری- حقوق بشر- حقوق بشردوستانه- دادرسی

منصفانه- برابری امکانات دفاع

گواهان، چشمها و گوشهای دستگاه اجرای
عدالتند و دستگاه کشف جرم بی‌ایشان کر
و کور می‌ماند.

جرمی بتنام

۱- درآمد

بی‌تردید اعتبار هر سیستم قضائی و هر محکمه قضائی و اعتماد طرفین دعوی و عموم نسبت به آن به وجود یک دادرسی منصفانه بستگی مستقیم دارد. حق برخورداری از «دادرسی منصفانه» در بردارنده مجموعه اصول و قواعدی است که جهت رعایت حقوق طرفین در رسیدگی به دعوای آنان پیش‌بینی گردیده است و در اسناد بین‌المللی حقوق بشری همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر (مواد ۱۰ و ۱۱)، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (بندهای ۲-۷ ماده ۱۴)، کنوانسیون اروپایی (ماده ۶) و کنوانسیون امریکایی (ماده ۸) حقوق بشر آمده است و بر عرفی شدن یک سری استانداردهایی که به تقویت تضمینات حقوق بشری در اجرای عدالت کیفری منجر می‌شود دلالت می‌کند.^۱ اصولی همچون اصل برابری امکانات دفاع،^۲ اصل تقابل یا دوطرفه بودن دفاع، اصل لزوم مستدل بودن تصمیم مرجع رسیدگی و حق اطلاع و دسترسی به مفاد و مدارک پرونده. بدون رعایت این موارد در جریان دادرسی، امکان دفاع مؤثر از سوی طرفین وجود ندارد و رسیدگی واجد صفت منصفانه نخواهد بود.^۳

از سوی دیگر یکی از مهمترین ادله سنتی، مهم و شناخته شده اثبات دعوای کیفری، شهادت است و آن عبارت است از اخبار صحیح از وقوع امری به‌منظور ثبوت آن در دادگاه^۴ و شاهد (گواه) هر شخصی است که اطلاعاتی را در خصوص یک رسیدگی کیفری داراست و می‌تواند آنها را ارائه دهد یا پیشتر آنها را در اختیار مراجع مسئول قرار داده است.^۵ در زمانهای گذشته شهادت در امور کیفری قلمرو اجرایی وسیعی را به خود اختصاص می‌داد و بی‌قید و شرط آن را می‌پذیرفتند اما به‌تدریج اهمیت سابق خویش را از دست داد و بر اهمیت ادله کتبی افزوده شد. اما از آنجایی که جرم از امور اتفاقیه است و تحصیل سند کتبی جز در مورد یک سری جرایم

۱. یآوری، «اسدا...»، حق برخورداری از دادرسی منصفانه و آیین دادرسی نوین»، نشریه حقوق اساسی، سال دوم تابستان ۱۳۸۳، شماره ۲، ص ۲۵۴.

2. Egalite des armes.

۳. یآوری اسدا...، پیشین، همان، ص ۲۸۰.

۴. گلدوزیان، ایرج، حقوق کیفری تطبیقی، مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد) ۱۳۷۴، ص ۹۸.

۵. توصیه شماره (۹) ۲۰۰۵ کمیته وزیران شورای اروپا به دولتهای عضو در خصوص حمایت از شهود و دیگر متهمانی که با سیستم قضائی همکاری می‌کنند.

❖ ابعاد شهادت در رسیدگیهای ...

خاص و معین، ممتنع است با وجود تردیدها و نقاط ضعفی که در شهادت و گواهی وجود دارد^۶ در امور کیفری نمی‌توان از آن صرف‌نظر کرد.^۷ اما یک سیستم کیفری مطلوب باید از هر دو جنبه شکلی و ماهوی سرآمد باشد به‌گونه‌ای که حقوق متهمین به همان اندازه حقوق عامه در فرآیند رسیدگی مراعات شود زیرا که اگر عدالت ایجاب می‌کند که مرتکب جرم مجازات شود همان عدالت اقتضا می‌کند که شخص مذکور تمام امکانات دفاع از خود را داشته باشد چه مجازات نکردن صد نفر بهتر از محکوم کردن یک نفر بی‌گناه است.^۸ لذا اثبات دعوی با شهادت همیشه باید با توجه به اصل برائت صورت گیرد اصلی که از آثار آن ضرورت اعطای فرصت و امکانات لازم به متهم جهت دفع اتهام از خود است.^۹ همان‌طور که متهم مجبور به مواجهه با شهود مخالف است از حق شهادت شهود موافق خود نیز برخوردار است. اما در همه سیستم‌های حقوقی در صورتی که این شهود، خود قربانی و مجنی علیه نیز باشند تدابیری خاص برای حمایت از ایشان در نظر گرفته می‌شود نظیر اینکه هویت ایشان برای متهم فاش نمی‌شود یا در مواجهه مستقیم با متهم شهادت نمی‌دهند و تدابیری جهت حمایت از تمامیت جسمی و روانی شهود، قربانیان و خانواده‌هایشان و جلوگیری از ضربه عاطفی مجدد^{۱۰} به ایشان اتخاذ می‌شود. پس باید تلاش شود میان حقوق طرفهای یک دعوای کیفری یعنی دادستان، متهم و شهود و قربانیان تعادل برقرار شود. رسیدگی‌های کیفری بین‌المللی نیز از این امر مستثنی نیستند و اعتبار و حیثیت یک دادگاه بین‌المللی کیفری نیز بسته به میزان موفقیت آن در ایجاد تعادلی نسبی میان حقوق این سه گروه دارد.^{۱۱}

تاکنون بیش از هفت محکمه بین‌المللی کیفری تشکیل شده است^{۱۲} که جز دیوان بین‌المللی کیفری مابقی حالت موقت دارند.^{۱۳} این تحقیق در پرتو اسناد تأسیس این محاکم و رویه قضائی آنها به بررسی ابعاد شهادت در رسیدگی‌هایی می‌پردازد که از سوی این محاکم انجام

۶. برای مطالعات تکمیلی به فصل شهادت در کتاب «روانشناسی قضائی» نوشته پروفیسور التاویلا ترجمه مرحوم دکتر مهدی کی‌نیا، مجد ۱۳۷۴ مراجعه کنید.

۷. آخوندی، محمود، «آیین دادرسی کیفری»، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸، ج ۲، صص ۱۱۶-۱۱۳.

۸. استفانی و دیگران، گاستون، «آیین دادرسی کیفری»، ترجمه دکتر حسن دادبان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳.

۹. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، انتشارات سمت، چاپ سوم، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۰۵.

10. Retraumization.

۱۱. گیتی شیایزری، کریانگ ساک، حقوق بین‌المللی کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، انتشارات سمت ۱۳۸۳، ص ۵۳۴.

۱۲. دادگاه نظامی نورمبرگ برای محاکمه جنایتکاران آلمان نازی، دادگاه توکیو برای محاکمه جنایتکاران دولت ژاپن، دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی، دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا، دادگاه تیمور شرقی، دادگاه سیرالئون و دیوان بین‌المللی کیفری.

13. Adhoc.

شده یا ممکن است در آینده انجام شوند و در تمام موارد به اصل ایجاد تعادل میان حقوق متهمان و شهود و قربانیان و تحقق عدالت توجه می‌کند. این اصل، ضرورت اتخاذ تدابیر حمایتی از شهود و قربانیان در رسیدگی کیفری بین‌المللی را ایجاب می‌کند.

حال در مواردی که برای اثبات دعوی کیفری بین‌المللی حضور شاهد ضرورت داشته و او از حضور در محکمه استنکاف کند یا دولت متبوع او تمایلی به اجبار وی به حضور در دادگاه نداشته باشد یا نهایتاً حتی در صورت حضور به سؤالات دادستان پاسخ نگوید وضعیت چگونه است؟ همچنین وضعیت خاص برخی گروههای شهود موجب شده که در ادای شهادت وضعیت متمایزی نسبت به سایرین داشته باشند. فلسفه این ترجیحات و امتیازات چیست؟ کیفیت این تدابیر و پاسخ به این سؤالات دغدغه این تحقیق است.

۲- تدابیر حمایتی از شهود و قربانیان

محاکم بین‌المللی کیفری عموماً به استثناء دیوان بین‌المللی کیفری پس از وقوع وضعیتهای نقض فاحش حقوق بشردوستانه و ارتکاب جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت تأسیس شدند تا مرتکبان آن اعمال را محاکمه و مورد مجازات قرار دهند تا از این طریق از وقوع چنین حوادثی در آینده جلوگیری شود و عدالت در خصوص ایشان اجرا شود. بسیاری از شهودی که در این محاکم شهادت می‌دهند خود قربانیان جرایمی هستند که متهم از بابت آنها محاکمه می‌شود. بسیاری از شهود از خانه‌هایشان رانده شده و تحت شکنجه، تجاوز به عنف و یا دیگر اشکال رفتار غیر انسانی قرار گرفته‌اند. به علاوه آنها متعلق به گروه نژادی - مذهبی متفاوتی با متهمان هستند. در نتیجه تداوم کینه و دشمنی بین گروههای مختلف نژادی، شهادت یک شاهد ممکن است نه تنها خود او بلکه خانواده‌اش و تمامی جامعه نژادی - مذهبی که به او تعلق دارد را در معرض خطر قرار دهد؛ لذا به جهت آنکه ایشان هم در اجرای عدالت همکاری کرده و هم متحمل آسیبی از این بابت نشوند، اتخاذ تدابیر حمایتی از شهود و قربانیان در رسیدگیهای کیفری بین‌المللی ضروری است، تدابیری که در تمام اسناد تأسیس محاکم بین‌المللی پیش‌بینی شده و چه پیش از محاکمه، در طی آن و تا پس از پایان محاکمه تداوم دارد. اما نظر به ضرورت رعایت حقوق متهم، هرگونه تدابیر حمایتی باید دارای شرایط ذیل باشد:

۱- متهم یا وکیل او باید این امکان را داشته باشد که صحت اظهارات شهود را مورد ارزیابی قرار دهد. این امر از طریق پرسش متهم یا وکیل مدافع او از شاهد یا پرسش دادستان از شاهد ممکن است؛

۲- تدابیر حمایتی تنها وقتی که «دقیقاً ضروری» باشد اتخاذ شود؛

۳- متهم نباید صرفاً براساس شواهد ارائه شده از سوی یک شاهد ناشناس محکوم شود

❖ ابعاد شهادت در رسیدگیهای ...

یا این شواهد نباید دلیل اصلی محکومیت او باشد.

الف- تدابیر حمایتی پیش از شروع محاکمه

بند (۱) ماده ۶۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به اتخاذ تدابیر مقتضی برای حمایت از امنیت و سلامت جسمی و روانی، شأن و محرمانه بودن هویت قربانیان و شهود اشاره می‌کند و البته بر این امر تأکید می‌کند که این تدابیر نباید بر حق متهم به یک محاکمه منصفانه و بی‌طرفانه خدشه وارد کند. ماده ۲۲ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی نیز به تکلیف دادگاه در اتخاذ مقرراتی در جهت حمایت از قربانیان و شهود اشاره دارد. به دلیل مشابهت اساسنامه دادگاه کیفری یوگسلاوی با اساسنامه دادگاه کیفری رواندا، مقرر مشابهی نیز در اساسنامه دادگاه اخیر وجود دارد. بند (۱) ماده ۲۴ مقررات رسیدگی دادگاه تیمور شرقی نیز از اتخاذ تدابیر حمایتی از شهود و قربانیان سخن می‌گوید.^{۱۴}

محاکم فوق‌الذکر به صورت دقیق‌تر به محتوای این تدابیر در قواعد رسیدگی و ادله خویش پرداخته‌اند. به عنوان مثال بند (۳) ماده ۸۷ قواعد رسیدگی و ادله دیوان کیفری مقرر می‌کند که:

یک شعبه در صورت درخواست اتخاذ تدابیر حمایتی به موجب بند (۱) ماده حاضر، می‌تواند طی جلسه‌ای غیرعلنی برای ممانعت از افشای هویت یا موقعیت یک قربانی، شاهد یا دیگر اشخاصی که به دلیل گواهی یک شاهد در معرض خطر قرار خواهند گرفت تدابیری اتخاذ کند و دستور دهد که:

الف: نام قربانی، شاهد و دیگر اشخاصی که به دلیل شهادت یک شاهد در معرض خطر قرار خواهند گرفت یا هر گونه اطلاعاتی که به شناسایی او بینجامد از اسناد عمومی شعبه حذف شود؛
ب: دادستان، وکیل و هر شخص دیگری که در رسیدگی‌های یک قضیه شرکت می‌کنند از افشای چنین اطلاعاتی به اشخاص ثالث منع شوند؛

ج: ادای شهادت از طریق تجهیزات الکترونیکی یا دیگر ابزارهای ویژه همچون استفاده از وسایل مربوط به تغییر تصاویر و صدا، استفاده از تکنولوژی دیداری - شنیداری نظیر ویدئوکنفرانس و تلویزیون مدار بسته انجام شود؛

د: برای شهود، قربانیان و دیگر اشخاصی که به دلیل شهادت یک شاهد در معرض خطر قرار می‌گیرند از نام مستعار استفاده شود.

همچنین بند (الف) ماده ۶۹ قواعد رسیدگی دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی و رواندا

14. Dixon Rodney and Khan, Karim, "International Criminal Courts, Practices, Procedures and Evidence", Sweet and Maxwell Publication Ltd (2003), pp. 230-32.

مقرر می‌دارند که:

در «شرایط استثنائی» دادستان می‌تواند از شعبه بدوی درخواست کند تا به عدم افشای هویت یک قربانی یا شاهد تا زمانی که تحت حمایت دادگاه قرار گیرد رأی دهد. البته بند (ج) همان ماده بر این امر تأکید می‌کند که هویت شهود و قربانیان باید در مدت کافی پیش از شروع محاکمه فاش شود تا متهم و وکیل او وقت کافی برای دفاع داشته باشند. بند (ب) ماده ۷۵ قواعد رسیدگی دادگاه کیفری یوگسلاوی و رواندا به تدابیر حمایتی مشابهی که در بند (۳) ماده ۸۷ قواعد رسیدگی دیوان بین‌المللی کیفری آمده بود اشاره می‌کنند. بند (۱) ماده ۳۵ مقررات رسیدگی دادگاه تیمور شرقی از رسیدگی غیرعلنی به قضایا و عدم افشای هویت شهود به‌عنوان تدابیر حمایتی سخن می‌گوید.^{۱۵}

اما معیار تشخیص اینکه افشای هویت یک شاهد برای متهم یا وکیل او در مرحله پیش از محاکمه، علی‌رغم تعهد این دو مبنی بر عدم افشای عمومی آن ممکن است او را در معرض خطر قرار دهند چیست؟ در این خصوص اظهار شده است که دادستان باید شواهد عینی ارائه کند مبنی بر اینکه یک شاهد در صورت افشای نام در معرض خطر قرار می‌گیرد و صرف نگرانیهای یک شاهد به خودی خود برای احراز اینکه در معرض خطر قرار دارد کفایت نمی‌کند و باید شواهدی بیش از این ارائه شود زیرا این امر با حق متهم به دانستن هویت شاهد مربوط است.^{۱۶}

ب- تدابیر حمایتی در طی محاکمه

تدابیر حمایتی از شهود و قربانیان در طی محاکمه عبارتند از عدم افشای هویت شهود برای متهم، شهادت دادن از پشت پرده، ممانعت از افشای نام شهود برای عموم و رسانه‌ها، شهادت دادن در جلسات غیرعلنی یا در جلسه علنی با استفاده از تکنیک‌های تغییر چهره، صدا یا شهادت کتبی. به‌عنوان مثال در قضیه تادیج، هویت یکی از شهود از متهم مخفی نگه داشته شد یا در قضیه کرونوجلاچ ۲۶ شاهد با نام مستعار یا از پشت پرده یا با تغییر چهره شهادت داده‌اند.^{۱۷} موضوع حمایت از شهود نخستین بار در قضیه تادیج مطرح و از ۵ دسته تدابیر حمایتی سخن گفته شد که هم پیش از محاکمه، در طی آن و پس از محاکمه قابل اعمالند:

- ۱- تدابیری جهت عدم افشای هویت شهود و قربانیان برای متهم؛
- ۲- تدابیری جهت محرمانه ماندن نام و هویت شهود و قربانیان از دسترس رسانه‌ها و

عموم؛

15. Dixon and Khan, *op.cit.*, pp. 233-34.

16. *Ibid.*, pp. 235-36.

17. *Ibid.*, pp. 239-40.

۳- تدابیر مربوط به جلوگیری از آسیب عاطفی مجدد به قربانی از طریق عدم مواجهه مجدد با متهم؛

۴- تدابیر گوناگون برای بعضی شهود و قربانیان؛

۵- تدابیر کلی برای تمامی شهود و قربانیانی که در محضر دادگاه شهادت می‌دهند.^{۱۸} در ذیل سه گروه نخست از این تدابیر را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

– عدم افشای هویت شهود و قربانیان برای متهم^{۱۹}

بند (الف) ماده ۶۹ قواعد رسیدگی دادگاه کیفری یوگسلاوی از عدم افشای هویت شهود برای متهم و وکیل او سخن می‌گوید. همچنین بند (ج) این ماده به افشای هویت قربانی یا شهود در مدت زمان کافی^{۲۰} پیش از شروع رسیدگی اشاره می‌کند. بررسی این دو بند نشان می‌دهد که اولاً هم حقوق شهود و قربانیان و هم حقوق متهم لحاظ شده است و ثانیاً عدم افشا موقت است. حال اگر درخواست شود که هویت شهود و قربانیان به صورت دائمی افشا نشود وضعیت چگونه است آیا این امر با حق متهم به اطلاع از هویت شهود مغایرت ندارد. موضع رویه قضائی در این خصوص چیست؟

در قضایای مطروحه در دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق در قضایای بلاسکیچ، دلایچ و تادیچ درخواست عدم افشای کامل هویت شهود مطرح شد.

در قضیه تادیچ شعبه بدوی شماره ۲ برای پذیرش عدم افشای کامل وجود پنج شرط را لازم دانست:

– ترس جدی (واقعی) برای امنیت و سلامتی شاهد یا خانواده‌اش وجود داشته باشد؛

– شهادت یک شاهد خاص برای اثبات ادعای دادستان اهمیت داشته باشد؛

– شعبه بدوی احراز کند علی‌الظاهر هیچ دلیلی مبنی بر عدم صداقت شاهد وجود ندارد؛

– یک برنامه حمایتی از شهود وجود ندارد یا ناکافی است؛

– هرگونه تدبیری که قرار است اتخاذ شود ضروری است.^{۲۱}

18. Amerasingh, Chittharanjan. F, "Evidence in International Litigation", Martinus Nijhoff Publication (2005), pp. 342-43.

19. Anonymity.

۲۰. در قضیه کردیچ، شعبه بدوی در این خصوص مقرر کرده بود که هویت و گواهی شهودی که شهروند فعلی یا قبلی یا تبعه یوگسلاوی بودند باید طی ۲۱ روز از شروع محاکمه و هویت و گواهی سایر شهود طی ۳۰ روز از شروع محاکمه در اختیار متهم و وکیل او قرار گیرد. به نقل از Dixon & Khan, 236.

21. Amerasinghe, chittharanjan. F, *op.cit.*, pp. 347-48.

در این قضیه شعبه مزبور رأی داد تا هویت تعدادی از قربانیان و شهود برای همیشه از متهم و وکیل او مخفی بماند. بعداً شروط پنج‌گانه مزبور در قضیه بلاسکیچ (۱۹۹۶) نیز مجدداً مورد تأیید قرار گرفت. با این وجود اسناد مربوط به دادگاه یوگسلاوی ناشناس ماندن شهود در جلسه محاکمه را نمی‌پذیرد. بند (۱) ماده ۲۹ و بند (۲) ماده ۲۱ اساسنامه دادگاه به‌حق متهم به محاکمه منصفانه و قسمت (۵) بند (۴) ماده ۲۱ به‌حق او جهت بازجویی از شهود مخالف اشاره دارند. بند (ب) ماده ۵۷ قواعد رسیدگی دادگاه که فهرست تدابیر حمایتی که شعبه می‌تواند صادر کند را برمی‌شمرد به «عدم افشای کامل» هویت یک شاهد برای متهم یا وکیل او در حین محاکمه اشاره نکرده است. قواعد رسیدگی دادگاه نیز در بندهای (الف) و (ج) ماده ۶۹ از عدم افشای کامل هویت یک شاهد سخن نگفته‌اند از این رو عدم افشای هویت یک شاهد در طی محاکمه مغایر قواعد رسیدگی دادگاه است. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در این خصوص ساکت است.^{۲۲} دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز عدم افشای کامل هویت شهود را نپذیرفته است زیرا به اعتقاد این دادگاه «محاکمه منصفانه» مستلزم آن است که متهم فرصت کافی برای آماده کردن دفاعیات خویش و پرسش از شهود دادستان را داشته باشد و هنگامی که او نداند از کجا و توسط چه کسی متهم شده است قادر به این امر نخواهد بود.^{۲۳} قاضی استفن در رأی مخالف خویش به‌شدت از رأی اکثریت انتقاد کرد^{۲۴} زیرا این رأی حق متهم به محاکمه منصفانه را نقض کرده و ممکن است به محکومیت او براساس شواهد و ادله نادرست بینجامد و افزود ماده ۲۲ اساسنامه جلسات غیرعلنی را می‌پذیرد اما جلسات رسیدگی غیرمنصفانه را نمی‌پذیرد.^{۲۵}

همچنین معقول است که این ماده را به‌گونه‌ای تفسیر کنیم که منظور از آن عدم افشای هویت شهود و قربانیان برای رسانه‌ها و عموم باشد نه برای متهم یا وکیل او.^{۲۶} در پاسخ به این استدلال‌ات اظهار شده است که شرط محاکمه منصفانه را نمی‌توان به‌صورت انتزاعی در نظر گرفت. دادگاه کیفری یوگسلاوی در طی یک مخاصمه مسلحانه و با خطر

۲۲. والین لوک، «قربانیان و شهود در جنایات بین‌المللی: از حق حمایت تا حق بیان»، دکتر توکل حبیب زاده و مجتبی جعفری، مجله حقوقی مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، شماره ۳۴، بهار و تابستان ۸۵، ص ۵۴.

23. Amerasinghe, chittharanjan. F, *op.cit.*, pp. 349-50.

۲۴. قاضی استفن در بخشی از رأی خویش اظهار داشت که بند (۱) ماده ۲۰ مقرر می‌کند که حقوق متهم باید مورد احترام کامل (full respect) قرار گیرد در عین اینکه به حمایت از شهود و قربانیان باید «توجه مقتضی» (due regard) شود و این نشانگر تقدم و اولویت محاکمه منصفانه متهم بر تدابیر حمایتی از شهود و قربانیان است. از این رو در صورتی که عدم افشای هویت شهود دادستان به‌طرز قابل توجهی متهم را از حقوقش محروم کند، دادگاه نمی‌تواند به این امر رأی دهد (صص ۱۰ و ۱۴ رأی جداگانه قاضی استفن) لذا حکم به عدم افشای هویت شهودی که برای دفاع متهم اهمیت بسیاری دارند چهره عدالت و فرآیند قضائی را مخدوش می‌کند. (صص ۲۱-۱۹. همان)

25. Leigh, Monroe, American Journal of International law, Vol. 90, No. 2 April 1996, p. 236.

26. Chinkin, Christine. M, American Journal of International law, Vol. 91, No. 1, January 1997, p. 81.

❖ ابعاد شهادت در رسیدگی‌های ...

واقعی برای امنیت و سلامت آنهایی که با آن همکاری می‌کنند ایجاد شده است. لذا دادگاه باید به یکی از مهمترین جنبه‌های این مخاصمه مسلحانه یعنی شیوع ترس و نگرانی در میان غیرنظامیان توجه کند. این عامل از آن رو اهمیت دارد که برخلاف دادگاه نورمبرگ، تعقیب و رسیدگی به اتهامات در دادگاه کیفری یوگسلاوی به میزان زیادی متکی به شهادت ناظران عینی است. همچنین برخلاف بسیاری از محاکم داخلی، دادگاه کیفری یوگسلاوی در رابطه با مسئله امنیت شهود نمی‌تواند برنامه حمایتی موثری را به کار بندد که از مرزهای ملی فراتر رفته و از شهود در اماکن مختلف حفاظت شود. واحد شهود و قربانیان که به موجب ماده ۳۴ قواعد رسیدگی دادگاه در دفتر دادگاه تشکیل شده است نیز منابع بسیار محدودی دارد و تنها می‌تواند به هنگام حضور شهود در مقر دادگاه در لاهه از آنها حمایت به عمل آورد. ایمنی قربانیان و شهود نیز بخشی از منفعت جامعه بین‌المللی در جستجوی عدالت را تشکیل می‌دهد. شورای امنیت این دادگاه را به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد برای «پایان بخشیدن به جنایات ارتکاب یافته در یوگسلاوی سابق و اتخاذ تدابیر مؤثری برای محاکمه اشخاص مسئول آنها» تشکیل داده است. دادگاه مزبور سه کارکرد دارد: تحقق عدالت، بازدارندگی از ارتکاب جنایات بیشتر، کمک به اعاده و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی. عدم تمایل شهود به شهادت به دلیل نگرانی و ترس و تهدید از صدمه به سلامت شخصی و اعضای خانواده مانع از این می‌شود که مسئولان ارتکاب چنان جنایاتی به گونه‌ای موفقیت‌آمیز تحت تعقیب قرار گرفته و مجازات شوند و این گونه ما از نیل به اهداف فوق باز می‌مانیم. برای حل مشکل ناشناس ماندن شهود که در عین حال باید به هر دو ضرورت حمایت از شهود و رعایت کامل حقوق متهم توجه شود راه‌حلی از سوی وکیل مدافع متهم در قضیه بلاسکیچ ارائه شد. او در لایحه‌ای پیشنهاد داد که نوعی داور مستقل (ombudsman) از طرف شعبه منصوب شود تا مدارک و اسناد دادستان را مورد مطالعه قرار داده و آنهایی را که می‌توانند به تبرئه متهم بینجامند را تعیین کند. اگرچه شعبه در این قضیه این راه‌حل را ضروری ندانست، لکن می‌توان گفت در مواردی که تنها راه حمایت از شهود، ناشناس ماندن آنها باشد می‌توان آن را به کار گرفت.^{۲۷} از این رو سوآلی که در نهایت مطرح می‌شود این است که آیا محاکمه منصفانه، متضمن حق مطلق به دانستن هویت شخص وارد کننده اتهام است یا خیر.

محاکمه منصفانه اصولاً متضمن یک جلسه رسیدگی علنی است که در آن متهم این فرصت را دارد که شاهدان مخالف را مورد پرسش قرار داده و درخواست کند شهود موافق او

27. Zappala, Salvatore, "The Rights of Accused" in The Rome statute of the International criminal court: A commentary vol. 2, edited by Antonio Cassese, Paola Gaeta and John. R.W.B. Jones, 2002.

نیز در جلسه حضور یابند. اما مقررات مربوط به محاکمه منصفانه جزء حقوق غیرقابل نقض مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیستند و این بدان معنی است که این مقررات مطلق نبوده و در شرایط استثنائی قابل محدود شدن هستند. حق اطلاع متهم از هویت شهود از این سنخ است.²⁸

- عدم افشای هویت شهود و قربانیان برای عموم

دستور عدم افشای هویت شهود و قربانیانی که در معرض خطر هستند یا به دلایل اجتماعی اصلح است که نام آنها در اختیار عموم و رسانه‌ها قرار نگیرد به درخواست دادستان توسط دادگاه صادر می‌شود. این دستور ممکن است در طی فرآیند رسیدگی و حتی پس از پایان آن در ارتباط با رسانه‌ها و عموم همچنان معتبر باقی بماند. این ادعا به‌ویژه در مورد قربانیان خشونت‌های جنسی صادق است.²⁹ محاکم داخلی عموماً با چنین روش‌هایی آشنا هستند. همچنان که در قضایای مربوط به خشونت‌های جنسی و تجاوز به عنف به دلیل نیاز به محرمانه ماندن هویت شهود و قربانیان رسیدگی به صورت غیرعلنی برگزار می‌شود. این رسیدگی‌های غیرعلنی مغایر با منصفانه بودن محاکمه محسوب نمی‌شود. بند (۱) ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی استثنائات وارده بر محاکمه علنی را برمی‌شمرد. محاکمه علنی عموماً برای اهداف اطلاع‌رسانی، آموزشی و جلوگیری از محاکمات ساختگی ضروری‌اند، اما این دلایل و اهداف هنگامی که نیاز به محرمانه بودن ضروری شناخته شود، کنار گذاشته می‌شوند.³⁰ حمایت از شهود در برابر عموم اصولاً مضر به حقوق متهم شناخته نمی‌شود در صورتی که متهم و وکیل او به اسامی شهود و قربانیان دسترسی داشته و بتوانند در ارتباط با آنها تحقیقاتی را به عمل آورند.³¹

- تدابیر معطوف به حمایت از شهود و قربانیان در برابر ضربه عاطفی مجدد

در این روش از تلویزیون‌های مدار بسته یک‌طرفه یا دیگر تدابیری که این امکان را میسر می‌سازد که شاهد بدون دیدن متهم شهادت دهد و محدودیت در خصوص سؤالاتی که طرفین می‌توانند از شاهد بپرسند استفاده می‌شود عموماً چنین تدابیری در مورد قربانیان خشونت‌های

28. Chinkin, Christine M, *op.cit.*, pp. 75-77.

29. Morris, Virginia and Scharf, Michal P, "An Insiders guide to the International criminal tribunal for former Yugoslavia, Transnational Publisher Inc. (1995), pp. 244-45.

30. Amerasinghe, Chitthanjan. F, *op.cit.*, pp. 351-52.

31. W.B Jones, John R, "protection of victims and witnesses", in Antonio Cassese, *op.cit.*, p. 1363.

جنسی به کار می‌رود.^{۳۲}

ج- قواعد حاکم بر تأمین ادله

قواعد حاکم بر تأمین ادله برای منصفانه بودن رسیدگی‌های کیفری اهمیت دارند؛ به موجب قسمت (۵) بند (۴) ماده ۲۱ متهم حق دارد شهادتی را که علیه او شهادت داده‌اند مورد پرسش قرار داده و درخواست کند که تحت همان شرایطی که گواهان مخالف او در جلسه حاضر شده‌اند شاهدان موافق او نیز در جلسه حضور یابند. مطابق قسمت (ب) همین بند متهم باید فرصت کافی و تسهیلات لازم برای آماده کردن دفاعیاتش را داشته باشد. ماده ۶۶ قواعد رسیدگی دادگاه کیفری یوگسلاوی مقرر می‌کند که دادستان طی ۳۰ روز از اولین ملاقات با متهم باید تمامی اسناد مثبت به همراه کیفرخواست و هرگونه اظهاراتی را که از متهم اخذ کرده است در اختیار وکیل مدافع او قرار دهد. همچنین دادستان باید طی زمان مقرر توسط شعبه بدوی، رونوشتی از اظهارات تمام شهودی را که دادستان قصد دارد آنها را برای ادای شهادت در محاکمه دعوت کند در اختیار وکیل مدافع متهم قرار دهد.^{۳۳}

د- شهادت کتبی^{۳۴}

گواهی شهود در رسیدگی به ماهیت اتهامات کیفری علیه متهم اهمیت بسیاری دارد؛ اینکه یک شاهد شخصاً در برابر دادگاه شهادت دهد مزایایی دارد از قبیل اینکه:
الف: شخصی که پس از سوگند یاد کردن در محضر دادگاه شهادت می‌دهد از ماهیت جدی رسیدگیها و اهمیت شهادت صادقانه و دقیق و نتایج قانونی مترتب بر عدم شهادت یا شهادت غیرصادقانه آگاه‌تر خواهد بود؛
ب: هر دو طرف کاملاً این فرصت را خواهند داشت که راجع به موارد مطروحه در قضیه که در زمان محاکمه شفاف‌تر و واضح‌تر از زمان تحقیقات یا مرحله پیش از محاکمه است از شاهد سؤال کنند. شعبه بدوی نیز مطابق بند (ب) ماده ۸۵ قواعد رسیدگی دادگاه کیفری یوگسلاوی این امکان را خواهد داشت که از شاهد سؤالاتی بپرسد؛
ج: قاضی رسیدگی‌کننده بهتر می‌تواند در خصوص ارزیابی قابل پذیرش بودن اظهارات شاهد به هنگام ادای شهادت تصمیم بگیرد.
با توجه به موارد فوق، اصل بر حضور شاهد در جلسه محاکمه است اما در بعضی

32. Amerasinghe, chittharanjan. F, *op.cit.*, p. 353.

33. Amerasinghe, chittharanjan. F, *op.cit.*, pp. 354-55.

34. Deposition.

وضعیت‌های استثنائی امکان حضور شاهد وجود ندارد. در این موارد امکان استماع گواهی یک شاهد از طریق شهادت کتبی مطابق آیین مندرج در ماده ۷۱ قواعد رسیدگی دادگاه وجود دارد. بدین منظور هر یک از طرفین می‌تواند از شعبه بدوی صدور دستوری برای شهادت کتبی و انتصاب یک مقام ناظر بر اخذ آن را درخواست کند.

این درخواست باید کتبی بوده و شامل تمام اطلاعات مربوطه همچون نام و نشانی شهود، موضوعات مورد سؤال، تاریخ و محل اخذ شهادت و شرایط استثنائی توجیه‌کننده این درخواست باشد. شعبه بدوی در صورت احراز دو شرط زیر درخواست شهادت کتبی را می‌پذیرد:

الف) موجه بودن اخذ شهادت کتبی به دلیل شرایط استثنائی؛

ب) احراز عادلانه بودن استفاده از آن در محاکمه.

از این روش عموماً در مواردی که یک شاهد مهم که در مراحل تحقیقات و پیش از جلسه محاکمه مورد بازجویی قرار گرفته است و متعاقباً به دلائلی همچون بیماری شدید، مرگ، تهدید و ناپدید شدن غیرقابل دسترسی بوده یا تمایل به ادای شهادت ندارد مورد استفاده قرار می‌گیرد.^{۳۵}

۳- موازنه حقوق متهم و شهود

در فراز پیشین از اتخاذ تدابیر حمایتی برای شهود سخن گفتیم و اینک زمان آن فرارسیده است که از رابطه این تدابیر حمایتی با حقوق طرف دیگر یک دعوی کیفری یعنی متهم سخن گوئیم. در بررسی اسناد تأسیس محاکم بین‌المللی دیدیم که همگی به الحان مختلف به این امر اشاره می‌کنند که تدابیر حمایتی نباید نافی حق متهم بر یک محاکمه منصفانه و بی‌طرفانه باشد. لذا در تمام موارد مربوط به درخواست حمایت از شهود و قربانیان باید این امر اثبات شود که تدابیر درخواستی با حقوق متهم به‌ویژه به‌حق او بر رسیدگی علنی مغایر نباشد.^{۳۶} یعنی میان دو منفعت یعنی حق متهم بر یک محاکمه منصفانه و حق شاهد بر تدابیر حمایتی توازن برقرار شود. حقوق متهم در مواد ۲۰ و ۲۱ اساسنامه دادگاه کیفری یوگسلاوی و همچنین ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر آمده است. البته در اعمال مقررات اخیر باید به ماهیت خاص دادگاه و اساسنامه آن توجه کرد زیرا در مقررات اساسنامه تعهدی ایجابی به حمایت از شهود و قربانیان وجود دارد این در حالی است که هیچ‌یک از مقررات مذکور به حمایت از شهود و قربانیان به‌عنوان یکی از ملاحظات اولیه اشاره نمی‌کنند؛ لذا در اعمال اصل محاکمه منصفانه یک متهم مندرج در اسناد حقوق بشری باید به مقررات

35. Morris and scharf, *op.cit.*, p. 349-51.

36. Dixon and Khan, *op.cit.*, p. 240.

اساسنامه و قواعد رسیدگی آن توجه شود.^{۳۷} این مواد مقرر می‌کنند که برای تسهیل انجام یک محاکمه منصفانه، شهود و قربانیان باید مورد حمایت قرار گیرند. البته نظری هم وجود دارد که معتقد است بررسی مواد ذی‌ربط نشانگر اولویت حق متهم بر محاکمه منصفانه نسبت به حق شهود بر تدابیر حمایتی است. آنها به این اشاره می‌کنند که بند (۱) ماده ۲۰ اساسنامه مقرر می‌کند شعبه بدوی باید تضمین کند که یک محاکمه، منصفانه و سریع بوده و با یک سری قواعد رسیدگی و با رعایت کامل «حقوق متهم و توجه مقتضی» به حمایت از شهود و قربانیان انجام شود. بند (الف) ماده ۷۵ قواعد رسیدگی دادگاه کیفری یوگسلاوی مقرر می‌کند یک قاضی یا یک شعبه می‌تواند به درخواست شخص ذی‌نفع یا هر یک از طرفین یا شهود و قربانیان ذی‌ربط به تدابیر مقتضی برای محرمانه ماندن و حمایت از شهود و قربانیان رأی دهد مشروط بر آنکه این تدابیر با حقوق متهم مغایر نباشند. بررسی این مواد نشان می‌دهد که اگرچه در این مواد به تدابیر حمایتی از شهود و قربانیان اشاره شده اما آنها امکان تحدید منصفانه بودن محاکمه به‌عنوان یکی از حقوق متهم را نمی‌پذیرند. بنابراین اگرچه آنها به توازن حقوق طرفین اشاره دارند اما در تحلیل نهایی می‌توان گفت که حقوق متهم اولویت دارد^{۳۸} و دادگاه خود باید به‌عنوان بهترین مدافع حقوق بشر عمل کند و به‌ویژه از حق هر متهم به محاکمه منصفانه مطابق استانداردهای موجود رسیدگی مقتضی به‌موجب حقوق بین‌الملل معاصر پاسداری کند.^{۳۹}

۴- عدم تمایل شهود به شهادت

در رسیدگی‌های کیفری حقوق داخلی، محاکم صلاحیت دارند در مواردی که حضور یک شاهد در جهت منفعت عدالت لازم باشد او را ملزم به حضور کرده و در صورت استتکاف با او برخورد قانونی کنند. در رسیدگی‌های کیفری بین‌المللی نیز چنین صلاحیتی برای محاکم شناخته شده است. در این خصوص می‌توان به بند (۱) ماده ۶۵ قواعد رسیدگی دیوان بین‌المللی کیفری و ماده ۲۹ اساسنامه دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق و بند (۱) ماده ۱۷ اساسنامه دادگاه نورمبرگ اشاره کرد.^{۴۰} در چارچوب دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق در خصوص حق اجبار یک شاهد به حضور در دادگاه باید بین اجبار دولت و شاهد تفاوت گذارد. در حالت اول ممکن است یک دولت تمایلی به این نداشته باشد که یکی از اتباعش یا شخص دیگری که تحت صلاحیت اوست

۳۷. مواد ۲۰ و ۲۲ اساسنامه و ماده ۵۷ قواعد رسیدگی دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق.

38. Amerasinghe, chittharanjan. F, *op.cit.*, p. 344-46.

39. Chinkin, Christine. M, *op.cit.*, p. 79.

۴۰. البته در ارتباط با شهادت در دادگاه نورمبرگ باید خاطر نشان ساخت که ماده اخیر مقرر می‌کند که شهود تنها «در صورت امکان» احضار می‌شوند و این خود حاشیه صلاحید وسیعی به دولتها می‌داد که به‌نظر می‌رسید دادگاه بر آن کنترلی ندارد. به نقل از Zappala, p. 1322.

شهادت دهد. این امر می‌تواند ناشی از اجبار یکی از اعضای نیروهای مسلح او به شهادت باشد در صورتی که شواهدی مربوط به دوره خدمت از طرف آن دولت یا دوره جابجایی او به دست آید که نشانگر شرکت آن دولت در ارتکاب آن جرایم باشد. در حالت دوم یک دولت ممکن است به شهادت این شخص علاقمند باشد اما او خود تمایلی به این امر نداشته باشد.

الف- عدم تمایل دولت به اجبار یک شاهد به حضور در دادگاه

دادگاه کیفری یوگسلاوی به موجب قطعنامه ۸۲۷ شورای امنیت و براساس فصل هفتم منشور ملل متحد تأسیس شد. به موجب این قطعنامه تمامی دولت‌ها موظفند که کاملاً با دادگاه و ارگان‌های آن همکاری کرده و هرگونه اقدام لازم به موجب حقوق داخلی را در این راستا اتخاذ کنند. ماده ۲۹ اساسنامه این دادگاه مقرر می‌کند که دولت‌ها باید در تحقیقات و تعقیب اشخاص متهم به ارتکاب نقض‌های شدید حقوق بشردوستانه بین‌المللی با دادگاه همکاری کنند. راجع به شهود به موجب ماده ۳۹ قواعد رسیدگی دادگاه، دادستان می‌تواند شهود را احضار و از آنها بازجویی کند و در این جهت می‌تواند خواستار کمک و مساعدت مقامات دولتی ذی‌ربط شود و دولت نیز به موجب ماده ۲۹ اساسنامه موظف به این همکاری است. ماده ۵۶ قواعد رسیدگی دادگاه مقرر می‌کند دولتی که قرار بازداشت یا حکم انتقال یک شاهد را دریافت کرده است باید فوراً و با تمام تلاش خویش اجرای صحیح این حکم را تضمین کند. به علاوه ماده ۵۸ قواعد رسیدگی دادگاه مقرر می‌کند که تعهد مقرر در ماده ۲۹ اساسنامه بر هرگونه منع قانونی راجع به تسلیم یا انتقال ... یک شاهد به دادگاه که ممکن است ناشی از حقوق داخلی یا معاهدات استرداد دولت ذی‌ربط باشد اولویت دارد. پس مبنای تسلیم یا انتقال شهود یا متهمین به دادگاه، تعهد آن دولت همکاری با دادگاه است. حال در صورتی که یک دولت نتواند یک قرار انتقال را اجرا کند موظف است دلایل خویش را به دفتر دادگاه گزارش دهد. در صورت عدم وجود چنین گزارشی، دادگاه می‌تواند شورای امنیت را از این امر مطلع سازد. همچنین دولتی که تمایلی به همکاری با دادگاه ندارد یا با مطلع نکردن شهود از درخواست دادگاه یا متقاعد نکردن ایشان برای شرکت در دادگاه در کار آن مانع ایجاد می‌کند ناقض ماده ۲۹ اساسنامه و تعهد خویش به همکاری با دادگاه است.^{۴۱}

ب- عدم تمایل شاهد به حضور در دادگاه

توانایی مقامات دولتی برای اجبار شهادتی که تمایلی به گواهی ندارد به حقوق داخلی

41. Hampson, Francoise. J, "International criminal tribunal for the former Yugoslavia and the reluctant witness, international comparative law quarterly, vol, 47, part 1, january 1998, pp. 55-57.

بستگی دارد. ممکن است قواعد حقوقی عامی در آن حقوق داخلی وجود داشته باشد که در ارتباط با صلاحیت بین‌المللی قابل اعمال باشد یا مقررات داخلی مربوط به همکاری با دادگاه در جهت ایفای تعهد آن دولت به همکاری متضمن حق اجبار شهود به حضور در دادگاه باشد. به‌عنوان مثال بریتانیا به‌موجب ماده ۱۹ قرار ملل متحد متعهد به رعایت درخواستهای دادگاه جهت ارائه ادله است. ماده ۹ این قرار به دادگاه صالح اختیار می‌دهد که در صورت درخواست دادگاه یوگسلاوی حکم به بازداشت و انتقال شخصی دهد که راجع به او چنین درخواستی را دریافت کرده است. شاهی که تمایل به حضور ندارد ممکن است مشمول مجازات مقرر در حقوق داخلی شده یا در صورتی که حقوق داخلی این‌گونه مقرر کند بازداشت و به دادگاه انتقال داده شود؛ در صورتی که چنین مقرراتی وجود نداشته باشد دولت مربوطه ناقض تعهدش در رابطه با همکاری با دادگاه محسوب می‌گردد، اما شاهد نمی‌تواند تحت صلاحیت دادگاه قرار گیرد.^{۴۲}

در چارچوب اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری ماده ۹۳ تحت عنوان «سایر اشکال همکاری» درخواستهای همکاری دیوان از دولتها را در موارد مختلف لازم‌الاجرا شناخته است که یکی از آنها تسهیل حضور اختیاری شهود در محضر دادگاه است. ذکر عبارت «تسهیل حضور اختیاری» نشانگر عدم الزام به حضور است و به تبع آن دولتها نیز نمی‌توانند آنها را ملزم به حضور کنند. اما موضع اتخاذ شده در قوانین اخیرالتصویب کشورهای همچون فنلاند و افریقای جنوبی مغایر این مقرر اساسنامه است. در این قوانین برای شاهد احضار شده از سوی دیوان بین‌المللی کیفری در صورت عدم حضور بدون عذر موجه، مجازات حبس یا جریمه پیش‌بینی شده است اما در قوانین بعضی کشورهای دیگر چنین الزامی پیش‌بینی نشده است.^{۴۳}

ج- عدم تمایل شاهد در خصوص پاسخ به سؤالات

اگر شاهی که تمایلی به حضور در دادگاه ندارد در دادگاه حاضر شود پرسش بعدی آن است که آیا او باید به سؤالات مطروحه پاسخ دهد و در صورت استنکاف قابل مجازات است یا خیر. قاعده کلی در این خصوص در بند (الف) ماده ۷۷ قواعد رسیدگی دادگاه آمده است که به‌موجب آن شاهی که از پاسخ به سؤالات مربوط به مسئله تحت بررسی دادگاه خودداری می‌کند استهزاء کننده دادگاه تلقی شده و شعبه مربوطه می‌تواند او را به جریمه‌ای حداکثر تا ۱۰۰۰۰ دلار یا حداکثر ۶ ماه حبس محکوم کند. این رأی قابل تجدید نظر خواهی است. این ماده منوط به بند (e) ماده ۹۰ قواعد رسیدگی دادگاه است. به‌موجب این ماده یک شاهد می‌تواند به اظهار هر مطلبی که به متهم شدن او بینجامد اعتراض کند. با این وجود شعبه می‌تواند او را

42. Hampson, Françoise. J, *op.cit.*, pp. 57-58.

۴۳. میر محمد صادقی، حسین، دادگاه کیفری بین‌المللی، نشر دادگستر، ۱۳۸، صص ۵۸-۲۵۷.

مجبور به پاسخ به سؤالات کند. به عبارت دیگر در صورتی که شعبه ایراد شاهد را رد کند عدم پاسخ بعدی او به سؤالات، استهزاء دادگاه تلقی می‌شود. نهایتاً خود شعبه می‌تواند به دلایلی که مناسب می‌داند یک شاهد را از پاسخ به سؤالات معاف کند اما در ماده مربوطه به مبانی چنین معافیتی اشاره نشده است.^{۴۴}

۵- وضعیت خاص برخی گروههای شهود

در رسیدگیهای کیفری بین‌المللی گروههایی از شهود در خصوص شهادت از امتیازهای خاص برخوردارند گروههایی همچون روزنامه‌نگاران، کارمندان صلیب سرخ، پرسنل سازمانهای کمک‌رسانی و توسعه و پرسنل سازمان ملل متحد. ممکن است این اشخاص تمایلی به شهادت نداشته باشند و این عدم تمایل نه از باب ترس برای خود یا خانواده‌هایشان بلکه از آن روست که ممکن است شهادت آنها بر فعالیت‌هایشان در آینده تأثیر بگذارد. شاید در حالتی که بحث شهادت یکی از اعضای یکی از این گروهها از سوی دادستان مطرح باشد دادستان بتواند به مقررات ماده ۷۰ قواعد رسیدگی دادگاه استناد کرده و اطلاعاتی را که در اختیار او گذاشته شده محرمانه تلقی کند و این‌گونه از افشای هویت ایشان خودداری کند. اما در وضعیتی که متهم یا وکیل او درخواست کنند که یکی از اعضای این گروهها در دادگاه حضور یافته تا او بتواند برای دفاع از خویش از آنها سؤالاتی را بپرسد چه باید کرد. آیا می‌توان او را ملزم به حضور، پاسخ‌گویی و ادای شهادت کرد. بخشهای ذیل به دنبال پاسخ به این سؤال از دریچه بررسی وضعیت ادای شهادت توسط هریک از این گروههاست.

الف- روزنامه‌نگاران

یکی از مهمترین دلایلی که برای عدم شهادت از سوی روزنامه‌نگاران مطرح شده، ترس و نگرانی از ایمنی و سلامتی دیگر روزنامه‌نگاران است. استدلال دیگری مطرح شده است تحت عنوان ضرورت عدم افشای منابع اطلاعاتی. اگر چنین ضرورتی پذیرفته نشود، اطلاعات و شواهد در اختیار عموم قرار نمی‌گیرد و لذا منافع عمومی اقتضا می‌کند که منابع اطلاعاتی مکتوم بمانند. اهمیت حرفه روزنامه‌نگاری در حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است. وضعیت خبرنگاران جنگی همراه نیروهای مسلح مدتهاست که در حقوق مخصصات مسلحانه پذیرفته شده است. به‌علاوه تصمیمات مراجع بین‌المللی حقوق بشری نقش ویژه‌ای برای مطبوعات در یک جامعه آزاد قائل شده‌اند که یکی از آثار آن حق روزنامه‌نگاران به عدم افشای هویت منابع

44. Hampson, Françoise. J, *op.cit.*, P.S 8.

خبری خویش است و حتی در بعضی کشورها همچون سوئد افشای منابع خبری توسط یک روزنامه نگار جرم است.

در مجموع می‌توان گفت که دلایل قوی در حمایت از این اصل می‌توان ارائه داد که روزنامه‌نگاران نباید ملزم به افشای منابع خبری خویش شوند البته اگر منافع عدالت اقتضاء کند یقیناً وضعیت متفاوت خواهد بود.⁴⁵

در رویه قضائی دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق رویه‌ای در جهت تأیید این اصل به چشم می‌خورد. در ۱۱ دسامبر ۲۰۰۲ شعبه استیناف دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق با نقض رأی شعبه بدوی، امتیازاتی را برای خبرنگاران جنگی راجع به ادای شهادت پذیرفت. تفصیل قضیه از این قرار است که در فوریه ۱۹۹۳ جاناتان سی راندال خبرنگار سابق روزنامه واشنگتن پست طی مقاله‌ای در این روزنامه اظهاراتی را از برجانین که در آن زمان یک مسئول امور مسکن در بوسنی بود نقل کرد. این اظهارات در مصاحبه راندال با برجانین آمده بود که آن را با کمک روزنامه‌نگار X که هویت او اعلام نشده است انجام داد. در این مقاله راندال از برجانین نقل کرده بود که او مدافع اخراج غیرصربها از این منطقه و ایجاد محیطی است که پاکسازی نژادی شده است. این مقاله همچنین از قصد برجانین برای تدوین قانونی جهت اجبار غیرصربها به خروج از خانه‌های دولتی سخن می‌گوید. بعدها، برجانین به اتهامات جنایت علیه بشریت همچون اخراج و انتقال اجباری، دستگیر و محاکمه شد. در ژانویه ۲۰۰۲ دادستان، مقاله راندال را به‌عنوان یکی از دلایل اتهامی خویش علیه برجانین مطرح کرد زیرا دقیقاً با اتهام وی مرتبط بود. راندال طی نامه‌ای آمادگی خویش جهت تأیید حقیقت و صحت اظهارات انتسابی به برجانین را اعلام کرد اگرچه افزود که او ترجیح می‌دهد شهادت ندهد. برجانین ضمن رد این اظهارات استدلال می‌کرد او باید این امکان را داشته باشد که سؤالاتی را از راندال بپرسد. در این راستا دادستان از شعبه بدوی درخواست کرد که قراری جهت احضار شاهد⁴⁶ صادر کند که شعبه مربوطه نیز با این موافقت کرد. راندال به این قرار اعتراض کرد اما شعبه بدوی درخواست او را نپذیرفت و استدلال کرد در اساسنامه دادگاه یا قواعد رسیدگی آن هیچ مقرراتی در تأیید امتیازاتی که او برای عدم گواهی به آن استناد می‌کند وجود ندارد و او باید آنچه را که منتشر کرده است تأیید کند. در تجدید نظرخواهی، راندال و ۳۴ شرکت رسانه‌ای و اتحادیه مطبوعاتی که به‌عنوان یاور دادگاه در رسیدگی پژوهشی شرکت کرده بودند استدلال کردند که شعبه بدوی باید امتیازاتی را برای روزنامه‌نگاران در باب شهادت بپذیرد. شعبه استیناف ابتدائاً به این مطلب اشاره کرد که قضیه مورد بحث مربوط به خبرنگاران جنگی است و ادای شهادت توسط آنها اختیاری است. به‌علاوه

45. Hampson, Françoise. J, *op.cit.*, pp. 63-64.

46. Subpoena.

فعالیت خبرنگاران جنگی متضمن یک منفعت عمومی است که الزام به ادای شهادت مانعی در انجام وظایفشان به وجود می‌آورد. با وجود این برای آنکه بتوان یک خبرنگار جنگی را احضار کرد طرف درخواست کننده باید اثبات کند که شواهدی که او به دنبال آن است اولاً در رسیدگی و اتخاذ تصمیم اهمیت بسیاری دارد. ثانیاً از منبع دیگری قابل دریافت نیست. شعبه استیناف این دو معیار را در این قضیه اعمال نکرد اما با نقض تصمیم به احضار شاهد در این قضیه اظهار داشت که این معیارها بر هر درخواست مربوط به احضار روزنامه‌نگاران به‌عنوان شاهد قابل اعمال است.^{۴۷}

ب- ناظران حقوق بشری

ناظران حقوق بشری به دو گروه تقسیم می‌شوند. یکی آنهایی که با سازمانهای غیردولتی همچون عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر فعالیت می‌کنند. دیگری آنهایی که با سازمانهای بین‌المللی بین‌الدولی همکاری می‌کنند مثل ناظران اعزامی کنفرانس امنیت یا گزارشگران موضوعی سازمان ملل متحد. به نظر می‌رسد که ناظران حقوق بشری گروه نخست وضعیتی مشابه روزنامه‌نگاران دارند؛ لذا علی‌الظاهر باید همچون روزنامه‌نگاران با ایشان رفتار شود. آنها باید به سؤالاتی که از ایشان پرسیده می‌شود پاسخ گویند اما باید بتوانند هویت منابع اطلاعاتی خویش را افشا نکنند. ناظران گروه دوم در نگاه نخست به نظر می‌رسد که وضعیتی مشابه گروه اول دارند اما وابستگی نهادین آنها به دولت‌ها یا سازمانهای بین‌المللی وضعیت ایشان را متفاوت می‌کند. کنوانسیون ۱۹۴۶ راجع به مزایا و مصونیت‌های ملل متحد، پرسنل آن سازمان را در صورتی که طرف دعوی قرار گیرند مورد حمایت قرار می‌دهد و البته نه در قبال حضور ایشان به‌عنوان شاهد. به‌علاوه مشخص نیست که آیا این امر به یک محکمه بین‌المللی هم تعمیم می‌یابد یا خیر. از سوی دیگر مناسب نیست که پرسنل سازمان ملل متحد که در زمینه‌های حقوق بشری فعالیت می‌کنند از پاسخ به پرسشهای یک دادگاه که به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد برای مجازات مرتکبان شدیدترین نقضهای حقوق بشری تأسیس شده، استنکاف کنند. پس صرف کار کردن شخصی برای یک سازمان بین‌المللی بین‌الدولی دلیل کافی جهت عدم شهادت محسوب نمی‌گردد.^{۴۸}

ج- سازمانهای کمک‌رسانی و توسعه

فعالیت سازمانی کمک‌رسانی از رساندن کمکهای اضطراری تا کار در توسعه بلندمدت

47. Megan. A. Fairlie American Journal of International Law, Vol. 98, No. 4, pp. 805-806.

48. Hampson, Françoise. J, *op.cit.*, pp. 64-66.

متغیر است. در میان آنها سازمانهای غیردولتی همچون اکسفام و سازمانهای بین‌الدولی همچون یونیسف و سازمان جهانی بهداشت و کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد به چشم می‌خورد. از آنجایی که این سازمانها بیشتر در یک مناقشه درگیرند پس احتمال اینکه در ارتباط با یک وضعیت، شاهدان بیشتری نیز از این گروه نسبت به گروههای حقوق بشری وجود داشته باشد بیشتر است. کار ایشان جمع‌آوری اطلاعات نیست اما آنها در طی انجام فعالیتشان شواهد بسیاری از جنایات و جرایم را ملاحظه کرده یا اطلاعاتی از این قبیل را از کسانی که به آنها کمک‌رسانی می‌کنند دریافت می‌نمایند. در ارتباط با این اشخاص باید به دو اصل توجه کرد؛ اولاً افشای هویت آنها یا ملزم کردن ایشان به پاسخگویی، کار آنها یا دیگر سازمانهای مشابه را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به‌علاوه این امر با بی‌طرف بودن این سازمانها مغایرت دارد. حال می‌توان پرسید که آیا بی‌طرفی موجب می‌شود که آنها از اظهار نظر در خصوص جنایات ارتکاب یافته خودداری کنند یا این دو با هم قابل جمع است؟ راه حل در جمع این دو عنصر با مقتضیات مربوط به حق متهم بر رسیدگی مقتضی است. ثانیاً اصل دوم مربوط به محرمانه بودن است؛ اصلی که به‌ویژه ارتباط با فعالیت مأموران کمیساریای عالی پناهندگان صادق است. از زندانیانی که از مراکز بازداشت در شمال غربی بوسنی آزاد شده بودند و از طریق کروآسی انتقال داده شدند اطلاعات بسیار زیادی جمع‌آوری شد. آنها ممکن است فکر کنند که افشای این اطلاعات برای امنیت و سلامتی خود و اعضای خانواده‌هایشان خطرناک باشد. مأموران کمیساریا می‌توانند به ماده ۷۰ قواعد رسیدگی استناد کنند اما دلیلی وجود ندارد که همه اطلاعاتی که این سازمانها دریافت کرده‌اند واجد ویژگی محرمانه باشند.^{۴۹}

د- هیأت‌های صلیب سرخ

صلیب سرخ در زمینه مورد بحث ما وضعیت ویژه و خاصی دارد. موضع صلیب سرخ در ارتباط با ارائه شواهد و ادله در رسیدگی‌های محاکم در زمانهای متفاوت متغیر بوده است. از اواخر دهه ۱۹۴۰ صلیب سرخ سیاست محکمی داشته است که نه او و نه هیچ‌یک از مأموران در رسیدگی‌های کیفری شهادت نخواهند داد. نیاز به بی‌طرفی عملی جهت انجام مذاکره با طرفین درگیر و ملاقات با زندانیان می‌تواند دلیلی باشد که این منع همچنان تداوم داشته باشد. البته مواردی وجود دارد که دادگاه ممکن است به این نتیجه برسد که حقوق متهم اولویت دارد. صلیب سرخ موافقتنامه‌های مقری را با تعداد بسیاری از دولتها منعقد کرده است که به موجب آن پرسنل خارجی او نه تنها مصونیت قضائی دارند بلکه از ادای شهادت هم مصون هستند. اگرچه این امر قانع‌کننده است اما

49. Hampson, Françoise. J, *op.cit.*, pp. 66-67.

به سختی در خصوص صلاحیت کیفری بین‌المللی قابل توجیه است.^{۵۰}

هـ- پرسنل مرتبط با فعالیتهای ملل متحد

این گروه شامل اعضای یگانهای ملی شرکت کننده در یک عملیات سازمان یا عملیاتی است که با مجوز آن انجام می‌شود و اعضای نیروی پلیس غیرنظامی سازمان و همچنین اعضای دبیرخانه سازمان نیز می‌شود. ترکیب تعهد دولتها به همکاری با دادگاه و توانایی آنها به ملزم کردن اعضای نیروهای مسلحشان حاکی از تعهدی روشن و صریح درخصوص پاسخ به سؤالات مطروحه از سوی این اشخاص است. در این ارتباط اولاً باید توجه داشت که ممکن است شخص مزبور به علت پایان رسیدن دوره خدمت ضرورت دیگر جزء نیروهای مسلح نباشد. ثانیاً او ممکن است به دلیل تعهدات قانونی داخلی در ارتباط با محرمانه بودن در صورت پاسخ با مشکل مواجه شود.

در خصوص اعضای نیروی پلیس غیرنظامی ملل متحد^{۵۱} می‌توان گفت که آنها در صورت موافقت مقامات ملی می‌توانند به سؤالات پاسخ گویند. راجع به اعضای نیروهای حافظ صلح ملل متحد اگرچه اصل بر پذیرش پاسخ به سؤالات است اما وضعیتهایی وجود دارد که ضروری است دادگاه بعضی مقتضیات مربوط به محرمانه بودن عملیات را بپذیرد. حال مقامات بلند پایه سازمان چطور، آیا آنها را نیز می‌توان ملزم به ادای شهادت کرد؟ این سؤال این موضوع را مطرح می‌کند که آیا یک قطعنامه صادره به موجب فصل هفتم، دبیرخانه را نیز ملزم می‌کند؟ می‌دانیم که قطعنامه‌های شورای امنیت که بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد صادر می‌شوند برای اعضای ملل متحد یعنی دولتها الزام‌آور است. دبیرخانه یکی از ارگانهای اصلی ملل متحد است که از طریق آن دبیرکل وظایف محوله به وی از سوی سایر ارگانها همچون شورای امنیت را ایفا می‌کند. ماده ۳۹ قواعد رسیدگی مقرر می‌دارد که دادستان می‌تواند از هر مرجع بین‌المللی ذی‌ربط درخواست کمک کند و دبیرخانه می‌تواند یکی از این مراجع باشد. در عین حال ماده ۱۰۰ منشور ملل متحد مقرر می‌کند که پرسنل در انجام وظایف خویش از هیچ دولت یا هیچ مرجع دیگری خارج از سازمان دستور نمی‌گیرند. در قضیه تادیج دادگاه اظهار داشت که به موجب ماده ۴۱ منشور تأسیس شده است و ارگانی فرعی به موجب بند (۲) ماده ۷ نیست. حال مشخص نیست که دستورات یک شعبه دادگاه به یک شاهد، دستورات یک مرجع خارج از سازمان تلقی می‌شود یا خیر. به عنوان مثال رادوان کارادزیچ، راتکف ملادیچ، در چارچوب ماده ۶۱ محاکمه شدند. در این قضایا، آقای آکاشی نماینده دبیرکل به عنوان شاهد در چارچوب این ماده در رسیدگی حاضر نشد.

50. Hampson, Françoise. J, *op.cit.*, p. 70.

51. UNCIVPOL.

❖ ابعاد شهادت در رسیدگیهای ...

ممکن است که دادستان یک مقام بلندپایه سازمان را به شهادت دعوت نکند یا وی تنها بر مبنای ماده ۷۰ حاضر به همکاری با دادگاه شود یا اصولاً حاضر نشود که شهادت دهد اما اگر متهم یا وکیل مدافع او شخص مزبور را به ادای شهادت فراخواند و از شعبه حکمی را در این رابطه تقاضا کند و شعبه نیز با این امر موافقت کند مشخص نیست وضعیت چگونه است. در نهایت به نظر می‌رسد که عدم همکاری یک مقام بلندپایه سازمان با دادگاه امری استثنائی است چون در غیر این صورت این امر به استنکاف از اجرای عدالت می‌انجامد.^{۵۲}

نتیجه‌گیری

در این مقاله ابعاد یکی از مهمترین ادله اثبات دعوی کیفری یعنی شهادت در رسیدگی‌های کیفری بین‌المللی مورد بررسی قرار گرفت. نگارنده از یکسو این مسئله را با در نظر گرفتن طرفهای دیگر دعوی کیفری یعنی دادستان و شهود و حقوق و اختیارات آنها و از سوی دیگر با مجموعه اصول و قواعدی که امروزه تحت عنوان «دادرسی منصفانه» نامیده می‌شوند و محاکمه هر متهمی با هر درجه از شدت جرم که باید با توجه به آنها باشد، مورد مطالعه قرار داد. محاکم بین‌المللی کیفری که در جهت برقراری عدالت و جلوگیری از ارتکاب نقضهای فاحش حقوق بشری در آینده و نهایتاً اعاده صلح تأسیس شده‌اند تنها در صورتی می‌توانند به این اهداف نائل شوند که شهود با اطمینان و ایمنی خاطر بتوانند در مورد کردار متهمان گواهی دهند و ایشان نیز از تمام تضمینات لازم حق دفاع برخوردار باشند تا شائبه ساختگی بودن و بی‌طرف نبودن یک محکمه بین‌المللی رفع گردد. جهت آشتی این دو مهم، اسناد تأسیس محاکم بین‌المللی کیفری یک سری تدابیر حمایتی را برای شهود و قربانیان مقرر کرده‌اند، در عین اینکه خاطر نشان ساخته‌اند که این تدابیر نباید به حقوق متهمین خدشه وارد کند.

52. Hampson, Françoise. J, *op.cit.*, pp. 71-72.